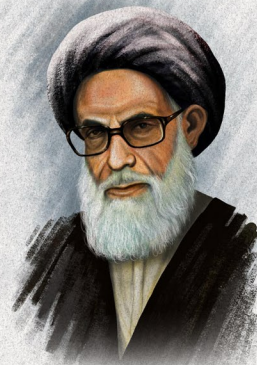


امام خمینی (قدس سره) می فرماید: شخص تائب، پس از توبه نیز آن صفای باطنی برایش باقی نمی ماند، چنان که صفحه کاغذی را اگر سیاه کنند و باز بخواهند جلا دهند البته به حال جلای اولی بر نمی گردد یا ظرف شکسته ای را اگر اصلاح کنند باز به حالت اولی مشکل است برگردد. بسیار فرق است بین دوستی که در تمام عمر، با صفا و خلوص با انسان رفتار کند با دوستی که خیانت کند و پس از آن عذر تقصیر طلب نماید. بنابراین، انسان باید حتی الامکان گناه نکند و اگر خدای نخواست گناه کرد هر چه زودتر در صدد توبه و علاج برآید.

(اربعین حدیث، امام خمینی، ص ۲۳۳)

## نظر گاه شیطان



شاید تجربه کرده باشید، اگر سگی گرسنه رو به شما آورد و همراهتان نان یا گوشت باشد، آیا به گفتن چخ، رد می شود؟! چوب هم بلند کنی فایده ندارد و دست بردار نیست. اما اگر هیچ همراه نداشته باشی، با آن شامه قوی که دارد، چون می فهمد چیزی نداری تا گفتی چخ، فوراً می رود. دل شما نیز مورد نظر شیطان است، نگاهی به دل می کند، اگر آذوقه او مانند حب مال، زر و زیور، شهرت، مقام، حسادت، بخل و .... در آن باشد، می بیند به به! چه جای خوبی برای او است، همان جا متمرکز می شود، اگر صد هزار بار هم «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم»، بگویی به این چخ ها رد نمی شود، چون این دشمن خیلی سرسخت است. «... انه لکم عدو مبین» بلی اگر طعمه اش را دور کردی، آنگاه می بیند وسیله ماندن ندارد و با یک استعاذه فرار می کند.

(بخشی از فرمایشات شهید محراب آیت... دستغیب رحمة الله علیه)

## ما صاحب داریم...

شب عملیات والفجر هشت بود... باید با عبور از اروند به خط دشمن توی فاو می زدیم... کار سختی بود... چون اروند معروف بود به رودخانه ی وحشی، از طرفی کوچکترین اشتباه و سر و صدا باعث میشد عراقی ها متوجه بشن اونوقت عملیات لو می رفت و بچه ها قتل عام می شدند... عراق هم خیالش راحت بود که ایران نمی تونه از اروند عبور کنه... کارشناسان بزرگ خارجی با دیدن اروند گفته بودند محاله کسی بتونه ازش رد بشه... اما اونا ایمان بچه ها رو دست کم گرفته بودند... غواص ها به خط شدند برای ورود به رودخانه و شروع عملیات... فرمانده گردان یه طناب آورد و به غواص ها گفت با فاصله مشخص خودتون رو بهم ببندید... همه ی بچه ها طناب رو بستند... فرمانده در کمال تعجب دید نفر اول ستون، یه متر از سر طناب رو رها کرده، بهش گفت: معنی این کارت چیه؟ چرا سر طناب رو به خودت نیستی؟ اون رزمنده نورانی و باصفا سرش رو انداخت پایین و با حالتی بغض آلود گفت: ما صاحب داریم، سر طناب رو رها کردم که صاحبمون امام زمان (عج) بگیره... می خوام آقامون ما رو برسونه اونور رودخونه... حال همه منقلب شد، فضای معنوی عجیبی بود... جالب تر اینکه اون ستون به راحتی از اروند خروشان گذشت... بدون اینکه عراقی ها بفهمند و برای کسی اتفاقی بیفته...

(راوی: آقای حسنی از رزمندگان عملیات والفجر)

## همسر داری استاد



یادم هست یک بار برای دیدن دخترم به اصفهان رفته بودم و بعد از چند روزی با یکی از دوستانم به تهران برگشتم. نزدیکی های سحر بود که به خانه رسیدم. وقتی وارد خانه شدم، دیدم همه بچه ها خواب هستند، ولی آقا بیدار است. چای حاضر کرده بودند، میوه و شیرینی چیده بودند و منتظر من بودند. دوستم از دیدن این منظره بسیار تعجب کرد و گفت: همه روحانیون این قدر خوب هستند! بعد از سلام و علیک، وقتی آقا دیدند، بچه ها هنوز خوابند، با تأثر به من گفتند: می ترسم یک وقت من نباشم و شما از سفر بیایید و کسی نباشد که به استقبالان بیاید. (راوی همسر علامه شهید مرتضی مطهری ره)

(منبع: سرگذشت های ویژه از زندگی استاد شهید مطهری، به روایت جمعی از فضلا و یاران، ج: ۲، صص ۱۰۸ و ۱۰۹)

### سوال

آیا اعتکاف در مسجدی غیر از مسجد جامع باطل است و آیا ممکن است هر محله ای مسجد جامعی غیر از مسجد جامع شهر یا روستا داشته باشد؟ مسجد جامع به چه مسجدی گفته می شود؟

### جواب

اعتکاف در هر مسجدی حتی غیر از مسجدهای چهارگانه تا هنگامی که بر آن مکان اسم مسجد صدق کند، جایز است، مشروط بر این که به قصد رجا باشد یعنی به امید این که مطلوب خداوند واقع شود و مختص به مسجد جامع نیست و ممکن است که یک شهر یا روستا چند مسجد جامع داشته باشد.